

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



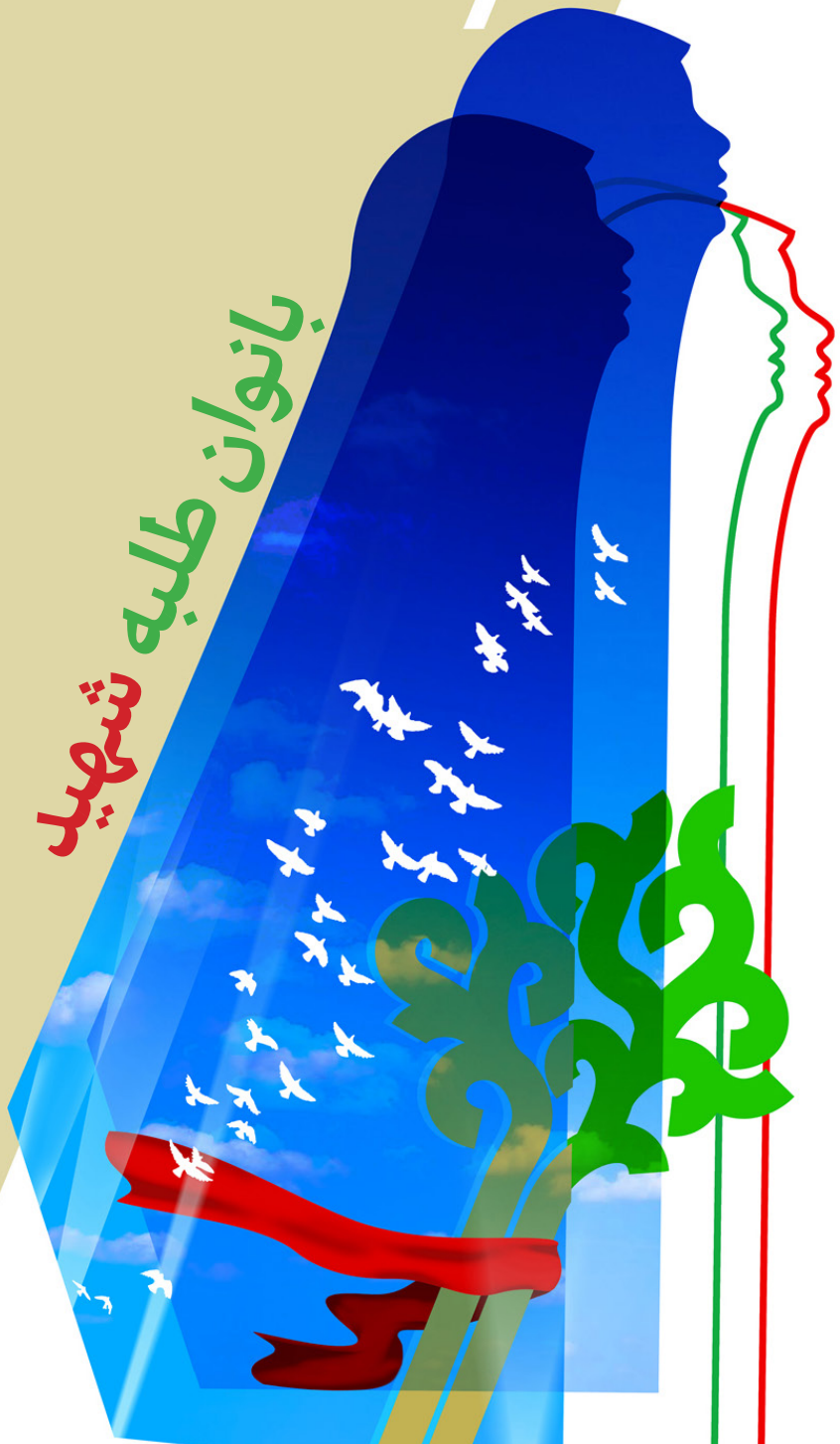
امام خمینی علیه السلام

خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در
پایان افتخار آمیز جنگ تحمیدی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه جانست به قشرهای
دیگر زیادتر است.

امام خامنه ای (منظله العالی)

شهدای روحانیت، سندهمیشه زنده حضور قاطع در جبهه های حق علیه باطل است.

بانون طلبه تشهید



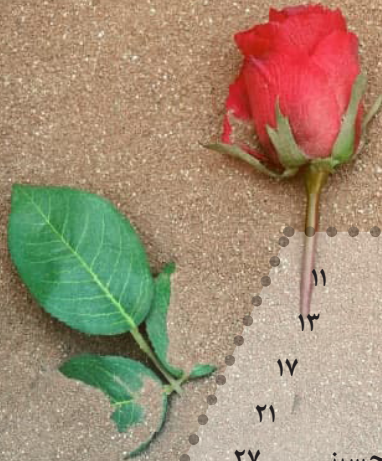
سرشناسه: نیکبخت، ساعد
عنوان و نام پدیدآور: بانوان طلبه شهیده / ساعد نیکبخت.
مشخصات نشر: قم: جامعه الزهراء (س)
مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. ۱۴،۸*۲۱
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۷۵-۷۸-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شهیدان زن ایران، Iran -- Women martyrs
شناسه افزوده: جامعه الزهراء (س)
رده بندی کنگره: DSR ۱۶۶۷
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴۴۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۶۵۲۰۸

بانوان طلبه شهیده

نویسنده: ساعد نیکبخت
ناشر: انتشارات جامعه الزهراء ع.ا.س.ا.
نوبت و سال چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۱
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ: کوثر
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۷۵-۷۸-۲

ارتباط با ما: قم، جامعه الزهراء ع.ا.س.ا.
دفتر انتشارات: ۲۵-۳۲۱۱۲۵۴۴-۹۸+
فروشگاه کتاب: ۲۵-۳۲۱۱۲۲۳۶-۹۸+
دورنگار: ۲۵-۳۲۹۲۵۱۱۱-۹۸+
وبگاه: eshop.jz.ac.ir رایانامه: pub@jz.ac.ir

فهرست



۱۱	مقدمه
۱۳	شهیده شهناز حاجی شاه
۱۷	شهیده شهناز محمدزاده
۲۱	شهیده فهیمه سیاری
۲۷	شهیده فخرالسادات حسینی
	شهیده صدیقه سادات موسویان
۳۱	نجف آبادی
۳۷	شهیده رقیه رضایی لایه
۴۳	شهیده فاطمه اسدیان دهکردی
۴۹	شهیده افتخار عباسی فر
۵۳	شهیده فاطمه ترکان ترک آبادی
۵۷	شهیده زهرا دقیقی خدا شهری
۶۱	شهیده رقیه حسین زاده اومالی
۶۷	شهیده خدیجه ولی زاده
۷۱	شهیده فاطمه سادات حسینی
۷۵	شهیده بتول مطهری
۷۹	ضمایم (آمار و تصاویر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
در مکنت اسلام که پیامبرش دست دفتر خود همدلقه ظاهر
ناظر نظر اسلام علیها را بوسید جایگاه بانوان و اعتماد
دانشش بان در وضع و آشکار است. در همین مکنت است
که زن در یقوت آفریننده ای دینی خود، تصاویر ماندگار برای
تمامی عالم ثبت میکند. در این کتاب مختصری از شرح
حال چهارده بانو از بانوان طلبه از زنان و دختران
این سرزمین در فایده از هیاتجوی مادرگرای جانان
را آسختگی با معنویات نمودند و شهادت همراه خود نمودند
انتخاب کردند. راهشان پر مهر و باد.

مکتب اسلام

هو الجيد

صوف يأتي الله بغير حجة عليهم رجوته

نمونه ۵۵

که کتب

کتب را سوزد

نه محبوب را

در روز شهادت جیدة الله، صدیقہ شہیدہ د نمود

۱۴ شہیدہ، احباب جیدة الله، د ۴۰ شہیدہ خوش نام

که این روز ک کشور معطر به عطر خودشان است؛ تقدیم بر ورد.

خویدم الصلاة : کتبہ مانصل

۳ جمادی الثانی ۱۴۴۴

۱۴۰۱، ۱۰، ۶

بسم رب الشهداء والصدیقین

شهادت، حضوری است آگاهانه و حرکتی است صادقانه برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق؛ شهادت، عشق به وصال محبوب و کسب رضایتِ معشوق حقیقی در زیباترین شکل است. شهادت در سنگرهای مختلف انقلاب اسلامی؛ اعم از شکل‌گیری نهضت اسلامی، دفاع مقدس، امنیت، سلامت و حفظ کیان نظام جمهوری اسلامی ایران رخ داده است. همچنانکه تلاش جهادی برای رستگاری جامعه اسلامی با رعایت اقتضائات و آداب لازم، حضور و حرکتی شهادت‌گونه است. به استناد به قرآن مجید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَتُؤْتَاهُمْ؛ و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آورند، به حقیقت راستگویان عالمند و برایشان نزد خدا اجر شهیدان است، پاداش اعمال و نورایمانشان را (در بهشت) می‌یابند. (آیه شریفه ۱۹ سوره مبارکه حدید)

در آستانه میلاد پرخیر و برکت صاحب خانه ی عزیز جامعه الزهرا حضرت زهرا سلام الله علیها و با گرامیداشت یاد ۱۴ بانوی شهیده، از خدای مهربان طلب می‌کنم که مسیر ما را (در پیشبرد اهداف بزرگترین حوزه علمیه خواهران در جهان تشیع) در راه رضایت خود با عاقبت به خیری و رزق شهادت قرار دهد.

سیده زهره برقعی

مدیر جامعه الزهرا سلام الله علیها»

۲۲ دی ماه سال ۱۴۰۱ مصادف با ۱۹ جمادی الثانی سال ۱۴۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهیدان راه خدا شاهدان زنده و جاوید الهی بر رفتار و کردار بشریتند و خدایشان آنان را به وصف خویش که فرمود «ان الله علی کل شیء شهید» نامگذاری کرد تا شاهد اعمال بندگان باشند. همچنان که در جوار قرب الهی روزی می خورند.

نکات قابل توجه:

برای تدوین این کتاب، اسناد و مدارک شهدا به تاییدیه بنیاد شهید و همچنین مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران و جامعه الزهرا ع.ا.س. رسیده است. برای هر شهید، ابتدا مشخصات شناسنامه ای وی ذکر شده و سپس اطلاعات اولیه ای که از شهید موجود بود گردآوری شده است. در نهایت مدارک تحصیلی شهدا قرار گرفته است.

علاوه بر QR قرار گرفته در پشت جلد کتاب، که دانشنامه بانوان طلبه شهید است، برای هر شهید نیز صفحه ای اختصاصی در وب ایجاد شده است. کفایت با اجرای هر کدام از برنامه های QR خوان بر روی تلفن همراه خود و در حالی که دوربین گوشی فعال است، کد مربوطه را اسکن



نمایید تا علاوه بر مشاهده تمامی اطلاعات مرتبط با شهید، تصاویر و فیلم های موجود را نیز مشاهده نمایید.

در انتهای مطالب مربوط به بانوان طلبه شهید، آمار و ارقامی از حضور بانوان در جبهه های دفاع مقدس، تعداد بانوان طلبه جانباز، آزاده و رزمنده قرار گرفته است. در نهایت تصاویری از حضور ارزشمند زنان در دفاع مقدس را شاهد هستیم.

در پایان از تک تک افرادی که برای تهیه این کتاب زمانی ولو اندک گذاشتند، تشکر می کنیم. به ویژه آیت الله مقتدایی و حجج الاسلام و المسلمین آقایان مجتبی فاضل، غفاری، ناصر شهیدی، اباذر عمرانی فر و آقای محمود خالقی و سرکار خانم برقی. امید که در جای جای زندگی خود توفیقات الهی را نظاره گر باشند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

خادم الشهداء

ساعد نیکبخت

معرفی پایگاه های اینترنتی
جلوه های ایثار



مقدمه

نوشتن از شهدا کار ساده ای نیست. باید مدام حواست باشد کم نگذاری، که مدیون می شوی؛ اغراق نکنی که مبادا فردی را از دست یافتن به یک الگوی دردسترس، ناامید کنی؛ شعار ندهی، کلیشه نشوی و... با تمام این احوال، اگر نگوییم از مردان و زنانی که مسیر خود را شناختند و برای رسیدن به آنچه فهمیده بودند تلاش کردند و از خود گذشتگی، به نسل هایی که بعد از ما خواهند آمد، به نسلی که بسیاری از این موارد را به چشم ندیده است، بدهکار خواهیم بود.

متفکران و اندیشمندان بسیاری هستند که به باور محوریت زن در خانواده و جامعه رسیده اند. به این که با تغییر فکر و رفتار زنان جامعه، می توان در کل آن جامعه تغییر ایجاد کرد. به همین منظور برای تحقق اهداف خود، الگوهایی از زن نمونه، بر اساس معیارهای خود در قالب های مختلفی همچون کتاب (روانشناسی، رمان و...)، فیلم و انیمیشن و... برای جوامع دیگر ساخته اند، تا با ایجاد تغییرات فکری و عملی بکارند



آنچه مد نظر دارند و درو کنند آنچه می خواهند.

در این میانه اما، ایران اسلامی ما، نمونه هایی درخشان از بانوانی دارد که محور بودند، اما نه آن محوریتی که سردمداران استکبار برای زوال ملت ها مد نظر دارند؛ محور بودند برای تعالی، محور بودند برای ایمان و معرفت، محور بودند برای ساختن. ساختن خود، خانواده، جامعه اسلامی.

این کتاب کوشش اولیه ای است برای معرفی ۱۴ بانوا از بانوان این سرزمین که با انتخاب مسیر علم آموزی در حوزه های علمیه، محور زندگی خود را خداوند و رضایت او قرار دادند و اکنون با شهادت، اینچنین کانون توجه زنان آزاداندیش قرار گرفته اند تا به تمامی بانوان بفهمانند، زن می تواند شهادت و شجاعت را اینچنین نمود دهد.

دعای خیری باید تا توفیق قرین ما شود و کتابی مبسوط برای هر کدام از شهدای بانوی طلبه به تحریر در آوریم.

طلبه گمنام

۱۴۰۱/۱۰/۰۳

عذرتیست بر من
والله اعلم
بما فی الباطن



شهنار حاجر شاه شهیده



نام پدر: غلام علی
کد ملی: ۲۰۰۰۴۸۶۵۱۷
محل تولد: خوزستان - دزفول
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۱/۰۱
تحصیلات غیر حوزوی: دیپلم
تحصیلات حوزوی: سطح ۱
حوزه علمیه: کوثر - خرمشهر
تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۷/۰۸
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مرقد مطهر: گلزار شهدای خرمشهر

شهیده شهناز حاجی شاه

از خانواده ۷ نفره ی حاج غلامعلی حاجی شاه دخترش شهناز، از همان روزهای اول کودکی تفاوت رفتاری خاصی با دیگر بچه های حاج غلامعلی داشت. این تفاوت را پدر شهناز که توجه ویژه ای به تربیت بچه ها داشت، خوب متوجه شده بود.

توجه به مسائل مذهبی و نماز از همان کودکی در وجود دختر خانواده ظاهر و بارز بود. روضه های خانگی و ادعیه و نماز، همیشه روح شهناز را تازه می کرد. تا زمانی که دیپلم گرفت و زمزمه های رفتن به حوزه علمیه خواهران دزفول را سرداد. شهناز می خواست همه ی زندگی اش را وقف تبلیغ دین و زندگی دینی کند. این هم دلیل داشت همه تفاوت رفتاری او را در زندگی روزمره که تفاوت فاحشی با دیگران داشت متوجه شده بودند. نمونه آن نمازخواندن های شهناز بود که بسیار متفاوت از بقیه نماز می خواند. با توجه خاصی وضو می گرفت. لباسش را هنگام نماز عوض می کرد. چادر نماز به سر می کرد و روی سجاده زیبایی که با دقت روبه قبله پهن کرده بود به نماز می ایستاد. همه از این کار او تعجب می کردند:

شهناز! چرا این همه به خودت سخت می گیری؟ یک نمازخواندن

است دیگر...

با جدیت جواب می داد: شما وقتی به دیدار یک دوست یا فامیل

می روید مگر لباس نو نمی پوشید و خودتان را مرتب نمی کنید؟

حالا وقت نماز، که وقت گفتگو با خداست آدم چرا نباید به وضع ظاهری اش توجه کند و مرتب و منظم باشد؟
 و تنها این نبود. شهناز هر شب بعد از نماز مغرب و عشا دعای کمیل می خواند. دعای کمیلی که در شب های جمعه می خوانند. اما او هر شب می خواند و چنان در هنگام خواندن دعای کمیل اشک می ریخت که دیگران را متوجه خود می کرد.
 .شهناز! تو هر بار که دعای کمیل می خوانی چرا انقدر گریه می کنی؟

جواب می داد: شما نمی دانید چه معنی و مفهومی دارد این دعا. اگر می دانستید شما هم مثل من اشک چشمتان بند نمی آمد.
 دعا و مناجات و نماز صادقانه آدم را به خدمت می رساند. دیگر شهناز طلبه درس خوانی شده بود و سطح یک را با موفقیت پشت سر گذاشته بود که جنگی نابرابر بین ایران و عراق در گرفت و در همان روزهای اول شهرهای جنوبی ایران درگیر شد. شهناز اما به همراه چند دوست طلبه و زن های شجاع ایرانی در کنار مردم خوزستان ایستاد و این بار در کسوت امدادگر به خدمت مشغول شد. هشتم مهرماه ۱۳۵۹ ترکش گلوله ای شهناز را در سن ۲۱ سالگی این بار متفاوت تر از همه ی لحظاتی که خودش را برای گفتگو با خداوند آماده می کرد با بدنی خونین و روحی آرام به دیدار پروردگار رساند.
 بعدها از فرزندان غلامعلی حاجی شاه دو پسرش نیز به دیدار خواهر نازنینشان شتافتند و به درجه رفیع شهادت نائل شدند. روح پاکشان جاودان.



دانشگاه علامه طباطبائی



تاریخ: ۱۳۰۰/۱۲/۱۶
شماره: ۱۵۸۶۳۳۴۰

دانشگاه حکیم

با توفیق الهی بغایت حضرت و انصاح محققان اندلسی از فرزندان
و استادان صوفیای ۵۵۰۰ شاعر عالی توان و فرهیخته



کتابخانه ملی و اسناد ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرکار خانم شهباز حاجی شاه عزیز غلام علی متولد ۱۳۲۳ دارای شماره قفسه ۲۰۰۴۸۶۵۱۷ درس سطح یکت را
باسمحل ۱۷/۱۵۰ (بند و پنج و صد) دریافت ۱۳۵۹/۰۷/۰۸ در دست گرفته
و موفق به اتمام این دانشنامه شده است.

مدیر اجرایی و مدیریت امور
میرزه زهرا علی محمدی خانی کرم الله وجهه
بنگاه اسناد

کتابخانه ملی و اسناد ملی
جمهوری اسلامی ایران
معاونت اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه ملی و اسناد ملی
جمهوری اسلامی ایران
معاونت اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
میرزه زهرا علی محمدی خانی کرم الله وجهه



عذرتیست زنون
والله اعلم
بما فی
الصدور

شهید شهنار محمدزاده



نام پدر: شکرالله

کد ملی: ۱۸۲۹۲۲۶۸۵۱

محل تولد: خوزستان - خرمشهر

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۱۰

تحصیلات غیر حوزوی: چهارم متوسطه

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

حوزه علمیه: کوثر - خرمشهر

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۷/۰۸

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش

مرقد مطهر: گلزار شهدای خرمشهر

شهیده شهناز محمدزاده

آرزو بود برای خانواده که خداوند دختری به آن‌ها عطا کند. دختر برکت است و شادی خانه. مریم خانم باردار بود و آن روز که دخترش به دنیا آمده بود نه فقط او که پدرش هم از شادی سراز پا نمی‌شناخت. پدر چشم‌های نازنین دخترش را نگاه کرد و نام او را شهناز گذاشت.

هنوز دختر نازنینشان به ۶ سالگی نرسیده بود که هر بار مادر به نماز می‌ایستاد سعی می‌کرد مثل او آداب نماز خواندن را به‌جا بیاورد. قنوت بخواند. رکوع برود، به سجده بماند. به همین خاطر مادر برای او چادر گل‌گلی سفیدی دوخت. توجه و سعی او برای این‌که چادر را درست به سر کند برای مادر جای تعجب داشت و گاهی حتی با صدای شنیدن اذان مادر را برای خواندن نماز باخبر می‌کرد. کم‌کم مادر علاقه شهناز را به قرآن خواندن که دید حروف الفبا را به او آموخت و دختر کوچکش با آن هوش و ذکاوت کودکی سوره‌های کوچک قرآن را سریع حفظ می‌کرد و شادی این نور هرروز در خانه بیشتر و بیشتر می‌شد.

شهناز که کم‌کم دوره ابتدایی و راهنمایی را طی می‌کرد آن هوش سرشار او بیشتر رخ نشان داد. مثل این بود که می‌خواهد زودتر بزرگ شود و زودتر به آنچه بزرگ‌ترها می‌دانند و بلد هستند برسد. خیاطی می‌کرد. گلدوزی و قلاب‌بافی را یاد گرفت. در ماشین‌نویسی (تایپ) ثبت نام کرد و حتی در آن زمان که زن‌ها کمتر رانندگی را می‌آموختند و گواهینامه داشتند رفت و امتحان داد و گواهینامه اش را هم گرفت.

به همین اندازه روابط اجتماعی عمیقی داشت و دوستان زیادی به خاطر رفتار و خلق و خوی خویش دورش جمع شده بودند.

این بار شهناز تصمیم جدیدی گرفت و با خانواده این موضوع را در میان گذاشت.

دارم دیپلم می‌گیریم می‌خواهم بروم حوزه و درس حوزوی بخوانم. خانواده می‌دانستند که روح سرزنده و شاد و پرتلاش شهناز در اینجا هم موفق خواهد بود. رفت و تا سطح یک را به راحتی طی کرد. اما جنگ همه‌ی زندگی مردم ایران را تحت الشعاع خود قرارداد. مردم کوچ می‌کردند و دزفول زیر باران گلوله‌ی بمباران‌های شدید عراق قرار گرفت. شهناز به همراه دوست هم حجره‌ای و همانم و طلبه‌اش شهناز حاجی شاه به عنوان امدادگر در کنار رزمندگان زیر بمباران‌های بی‌وقفه به درمان مجروحین مشغول شد.

هشتم مهرماه ۱۳۵۹ بود. مقابل مهد قرآن. خمپاره‌های عراقی‌ها پشت هم زمین را زیر پای مردم دزفول می‌لرزاند و ترکش بزرگ خمپاره‌ای کنار شهناز بدن و دوپایش را قطع کرد و او به همراه هم حجره‌ای هم نام خود شهناز حاجی شاه، وقتی که هنوز به بیست سالگی نرسیده بود، به شهادت رساند.

هنوز یک ماه از شهادت دختر نازنین محمد زاده نگذشته بود که پسرشان حسین برادر شهناز هم در چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ به شهادت رسید. از شهناز برای همه فقط خوبی به یادگار مانده بود. روزی خانم نیک روان، معلم مدرسه شهناز برای عرض تسلیت به خانه‌شان رفته بود. خانم نیک روان چنان متأسف و گریان بود که انگار دخترش را ازدست داده بود و به مادر شهناز می‌گفت:

مریم خانم! من امروز برای تسلیت آمدم خانه شما. اما به شما تبریک هم می‌گویم. زمانی که شهناز شاگردم بود با همه سن کمی که داشت هیچ وقت یاد ندارم که سر کلاس مرا یا همکلاسی‌هایش را ناراحت کند. مادرش هم با خود فکر کرد که شهناز هیچ وقت کسی را ناراحت نکرده بود. هیچ وقت و برای همین هم خدا انقدر زود او را که امانت بود قبول کرد و برای همیشه در کنار خودش قرار داد.



عبدالله بن محمد
والله اعلم بالصواب



شهید فاطمه سیار



نام پدر: اکبر

کد ملی: ۰۰۳۵۸۲۸۶۵۱

محل تولد: زنجان

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۳/۰۱

تحصیلات غیرحوزوی: دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

حوزه علمیه: جامعه الزهرا سلام الله علیها

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۹/۱۲

محل شهادت: سقر-بانه

نحوه شهادت: اصابت گلوله در درگیری با ضد انقلاب

مرقد مطهر: بهشت فاطمه زنجان

شهیده فهیمه سیاری

۱۳۳۹ مصادف بود با محرم الحرام ۱۳۸۱ هجری قمری که در تهران، فهیمه به دنیا آمد.

هنوز به مدرسه وارد نشده بود که هوش و ذکاوت و کنجکاوی های مدام او از مادر و اطرافیان آن‌ها را متعجب می‌کرد. تفاوتی که این دختر را از باقی هسالانش متمایز می‌کرد. تا دوره راهنمایی این کنجکاوی‌ها ادامه داشت. هوش سرشار او، فهیمه بود که آنچه در جامعه مردم به دنبال آن می‌گردند و قصد رسیدن به انقلابی عظیم را دارند با همه‌ی آنچه در مدارس و کتاب‌های درسی دوران پهلوی گنجانده شده، تفاوت عمده دارد. زندگی باید جای دیگری در روزنه دیگری خودنمایی کند. برای همین، همین روزها با سن کمش همراه با خواهر و مادرش در مراسم عزاداری‌ها و سخنرانی‌هایی که در حسینیه‌ها و مساجدی که با محل سکونتشان فاصله زیادی داشت شرکت می‌کرد. حسینیه روح داشت، جان داشت، حرف تازه‌ای داشت که فهم فهیمه را دوچندان می‌کرد. سخنرانی‌هایی که راه زندگی را بهتر از آنچه در کتاب‌های مدرسه می‌خواند به او نشان می‌داد.

دوره راهنمایی تمام شد و خانواده سیاری به موطن اصلی شان شهر زنجان برای سکونت رفتند. گویی تمام ایران در زمان انقلاب، حسینیه شده بود. سخنرانان و روحانیون طراز اول حوزه‌های علمیه با آن همه فشارهایی که رژیم پهلوی به وجود آورده بود، شجاعانه استان به استان و شهر به شهرهای ایران می‌رفتند و مردم را از ظلم و جوری که

حکومت پهلوی پنهان و آشکار داشت آگاه می‌کردند. آن روزها فهیمه پای سخنرانی بزرگانی چون آیه الله مشکینی و رضوانی درس‌ها آموخت و درحالی‌که در رشته ریاضی فیزیک مشغول بود و دروس ریاضی را بسیار خوب می‌خواند راه را از سخنرانی این بزرگان پیدا می‌نمود و به آنچه باید در تقدیرش به آن می‌رسید خودش را نزدیک می‌کرد.

سال ۱۳۵۷ انقلاب به پیروزی رسید؛ و این تغییر بزرگ انقلاب در زندگی مردم، تغییر بزرگی برای فهیمه نیز بود. تصمیمی که مدت‌ها قبل گرفته بود را با خانواده در میان گذاشت و خودش را به قم رساند و در مکتب توحید قم (حوزه خواهران) ثبت نام کرد و با شوق وصف‌ناشدنی دروس حوزه را آغاز نمود. اینجا بیش از همه آیه الله شهید قدوسی در درس اخلاق و حوزه راه‌گشای زندگی فهیمه شد و شهادت شهید قدوسی علم و عمل را بیش از هر چیزی به او آموخت.

سال ۱۳۵۹ سال سوم تحصیل او، انقلاب تازه و نوشکفته درگیر جنگی نابرابر شد که تا سال ۱۳۶۷ ادامه پیدا کرد. در آغاز سال تحصیلی آموزش و پرورش شهرستان بانه از مکتب توحید قم درخواست مُبَلَّغ کرد تا برای انجام کار فرهنگی و تربیتی خواهران به این شهر اعزام شود. فهیمه سیاری که در مکتب آیه الله قدوسی کسب فیض کرده بود می‌دانست که راهی که استادش در پی گرفته بهترین راه است و باید از این فرصت پیش آمده چون ابری در آسمان که در حال گذر است بهترین استفاده را کند و در شهر بانه به خدمت و خودسازی مشغول شود. آنچه آموخته بود چه بهتر که در قلب خطر و فقر آن هم در شهر بانه به بار بنشیند.

درخواست داد و حوزه پذیرفت. درحالی که دوستانش می دیدند که فهیمه با قلب و روحی خاص دارد از آن ها خداحافظی می کند. تعجب می کردند و درحالی که هیچ کس از آنچه که تقدیر او بود نمی دانست. با او خداحافظی کردند و نمی دانستند که این دیدار آخرین دیدار است. ۱۳۵۹/۹/۱۲ همراه دو خواهر دانشجویی که مانند او برای خدمت خودشان را به سنج می رساندند، در بین راه که چند ماشین تأمین آن ها را همراهی می کردند، در ساعت ۴ بعد از ظهر به دیوان دره رسیدند و درحالی که هوا رو به تاریکی می رفت و خطر کمین گروهک هایی که تازه در غرب کشور پا گرفته بودند و گذرها را می بستند به سمت بانه حرکت کردند. فهیمه درحالی که قرآن را از کیفش درآورده بود و عکس امام را مقابلش گذاشته بود به یکی از دانشجویان می گوید:

می دانی دیگر احساس راحتی می کنم. دیگر فقط از راه دور شاهد نیستم و خودم حالا در اینجا می بینم.

ناگهان صدای رگبار گلوله از هر طرف ماشین آن ها را مورد هدف قرار می دهد. راننده فریاد می زند سرتان را پایین بیاورید و فهیمه همان طور که قرآن را در آغوش دارد سرش را به طرف دامن یکی از دانشجویان خم می کند. یکی از دانشجویان از ناحیه دست زخمی می شود. راننده به کتفش تیر می خورد و با همین زخم ماشین را از منطقه خطر دور می کند. مقابل درمانگاهی می ایستند. درد در دست خواهر دانشجو آن قدر زیاد بود که تازه متوجه فهیمه می شود که تیری در چشمش نشسته و با شهادتش جان او را نجات داده است.

این راه را می نبود که فهیمه سیاری را به راحتی به شهادت برساند

در قسمتی از دست‌نوشته‌های او که دل‌گویه‌های اوست می‌خوانیم:

«در خود نگریستن شهامت می‌خواهد و لازمه شهادت، ایمان و آگاهی است و آدمی با رفتن به حقیقت می‌پیوندد. در هر جامعه‌ای دو نوع استاد وجود دارد: یکی استاد فیزیک و شیمی و دیگری استادی که دانش او در رابطه با خدا باشد. استاد واقعی و عالم واقعی از نوع دوم است. ولی جامعه امروز ما استاد از نوع اول را زیادتر داشته است. اکنون نیز بدبختی ما به خاطر همین کمبود استاد از نوع دوم است. اگر در ادارات فساد اخلاقی است، اگر در آموزش و پرورش فساد اداری است، در هر کجا که انسان دست بگذارد فساد اخلاقی وجود دارد، به خاطر کمبود این افراد است. این انقلاب امروز به افرادی نیاز دارد که متواضع باشند.

مهدیا! باز آی و دل پرغمان را مرهم نه!



شماره ثبت: ۷۸۳-۹۳۵۰
کرج شماره سند: ۱۴۰۰۱۵۱۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مَجْلِدُ التَّوْقِیٰتِ خَدَاوَزِدِ مُتَمَلِّ وِ عَمَلَاتِ خَدَاوَزِدِ دَلِی مَحْصَرٍ

کولنامه صلح وو



با تو قیقات خدازید متصل و عملات حضرت دلی محصر
به موجب مصوبه ۹۵ شماره ای بایست لاری خدازه ای علی کولنامه صلح وو

۰۰۳۸۵۷۸۶۵۱ شماره ملی

۱۳۳۹۰۲۰۰۱

متولد

اکتبر

فرزند

به سرکار خانم فهیمه ستاری

کولنامه صلح وو در کار شاهی اعطاء می شود.

۷۱۱۰۰۹۲۰

شماره تحویل

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تذکره قلمی

برای سهم زینب انوار کونیه در اولاد از سهم زینب انوار کونیه می باشد.

محلان اثر زینب انوار کونیه
محمد علی سجودی

عذرتیست زنون
والله قیتره سبیل الله تبارک و تعالی



فخر السادات کفایت حسینر شهیده



نام پدر: ابوالفضل

کد ملی: ۰۳۸۱۲۳۵۸۵۸

محل تولد: قم - منطقه یک

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۰۱

تحصیلات غیر حوزوی: سیکل

تحصیلات حوزوی: مقدمات

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۱

محل شهادت: قم

نحوه شهادت: اصابت ترکش در بمباران

مرقد مطهر: قم - گلزار شهدای امامزاده علی بن جعفر علیه السلام

شهیده فخرالسادات حسینی

فخرالسادات متولد ۱۳۴۰ بود. تا دوره ابتدایی را درس خواند و بعد از آن به خاطر فضای خانوادگی و روحانی منشانه ای که داشت وارد حوزه شد.

روزه داشت و مباران های هوایی عراق و حمله به شهرهای ایران ادامه داشت. آن روز هواپیماهای عراقی بر سر مردم بی دفاع بمب هایشان را ریختند و فخرالسادات بالبان تشنه در حیاط خانه مورد اصابت ترکش قرار گرفت و شهید شد. آن هم در بهمن ۱۳۶۵. تشیع باشکوهی برای او در گلزار شهدای امامزاده علی ابن جعفر (علیه السلام) برگزار شد.

و بعد از او راهش ادامه داشت و دو فرزند و همسرش هم در دوران جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



دانشجویان

تاریخ: ۱۳۰۰/۱۲/۱۶

شماره: ۱۶۰۳۳۹۹

با توفیق الهی عنایت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

و با استناد صورت شماره ۵۵ شورای عالی پژوهش‌های علمی



شورای عالی پژوهش‌های علمی
مرکز سنجش پژوهش‌های علمی - تهران

سرکار خانم فخرالسادات گناش سمینی عزیز ابوالفضل متولد ۱۳۴۰ والی شهر اصفهان ۰۲۸۱۲۳۵۸۵۸ دروس سطح یک را

با معدل ۱۷/۱۰۰ (رضه) در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۰۱ به استناد نامه و موفقی به اختیار این دانشنامه شده است.

محمد اکبر ایمان، مدیر هیئت مدیره

کرانه سنجش پژوهش‌های علمی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



پایه ششم، شماره ۳۳۸، طرقات شمالی، تهران، کد پستی: ۱۹۱۷۱، صندوق پستی: ۱۹۱۷۱، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران





عذرتیست زنون
والله اعلم بقلبها
والله اعلم بقلبها



صدیقه سادات موسویان نجف آبادی شهیده



نام پدر: سید احمد

کد ملی: ۱۰۹۰۷۴۱۸۳۹

محل تولد: اصفهان - نجف آباد

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۰۲/۲۴

تحصیلات غیر حوزوی: ابتدایی

تحصیلات حوزوی: سطح ۲

حوزه علمیه: فاطمیه - نجف آباد اصفهان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۵/۰۹

محل شهادت: مگه مکرمه

نحوه شهادت: جراحات وارده توسط رژیم سعودی

مرقد مطهر: اصفهان - گلزار شهدای نجف آباد، در جوار

دو فرزند شهیدش

شهیده صدیقه سادات موسویان نجفآبادی

پدرش سید احمد و مادرش آمنه نام داشت. صدیقه سادات در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۸ به دنیا آمد. پدر، تاجر باایمانی بود و مادر، وقتی که صدیقه سادات سه ساله بود از دنیا رفت و از آن پس در خانه مادر بزرگش زندگی می‌کرد. خانواده مذهبی و فضای مذهبی آن روزهای نجف‌آباد اصفهان تا زمانی که صدیقه دوران ابتدایی را به پایان برساند، آستن اتفاقات جدیدی شده بود. رضاخان دستور کشف حجاب را صادر کرده بود و مأموران رضاخان کوچه به کوچه‌های اصفهان چادر از سرزن‌ها برمی‌داشتند. دخترها در مدارس باید بی حجاب و بالباس متحدالشکلی وارد می‌شدند و این موضوع را سید احمد تاجر نمی‌توانست قبول کند و صدیقه سادات هم نمی‌توانست تا آن روز که همه جا باحجاب رفته بود این بار در مدرسه با آن وضعیت ظاهر شود. صدیقه برای ادامه تحصیل تصمیم جدیدی گرفت. وارد حوزه علمیه شد.

از آن وقت تا زمان پیروزی انقلاب و جنگ به تحصیل در درس حوزوی پرداخت و بخصوص از محضر بانو مجتهده امین اصفهانی کسب علم کرد و در تقوا، همت والایی از خودش نشان داد. او با حاج امین معین که فردی انقلابی و متدین بود ازدواج کرد. روحیه انقلابی همسرش و خودش باعث شد که هر دو به مبارزه و جهاد علیه رژیم پهلوی همت بالایی از خود نشان دهند. تا آنجا که

زندگی شخصی شان را تمام و کمال در این مبارزه و خدمت به مردم قرار دادند.

هنوز انقلاب پیروز نشده بود که او و همسرش به روستاهای اطراف اصفهان می‌رفتند و به روشنگری دینی سخنرانی و احکام در بین روستاییان می‌پرداختند. پای صحبت روستاییان و درد و دل زندگی فقیرانه و مشکلاتی که داشتند می‌نشستند.

از پدر تاجر، صدیقه سادات هر چه مانده بود را صرف کمک به مستمندان و کمک به فقرا می‌کرد. اموال موروثی اش را اکثراً در رفع کمبودهای معیشتی روستاییان هزینه کرده بود.

کم‌کم انقلاب به اوج رسید و آن‌ها روحانیون را بیش از پیش به مبارزه علیه رژیم شاه فراخواندند. در این بین خداوند دو پسر هم به آن‌ها داده بود که هر دو در مسیر انقلاب و بعدها جنگ تحمیلی قرار گرفتند و شهید شدند. آن روزهای انقلاب یکی از پسرهایش پارچه چادری مشکی تهیه می‌کرد و صدیقه سادات ساعت‌ها می‌نشست و چادر می‌دوخت و برای ارشاد زنان به آن‌ها چادر هدیه می‌داد.

زندگی از همان روزهای اول پر از خدمت و حرکت بود. سخنرانی‌های صدیقه سادات و همسر و فرزندانش چه در زمان شاه و چه در اوج انقلاب و جنگ تحمیلی پر است از خدمت و کمک که هنوز به یاد اهالی اصفهان و نجف آباد باقی مانده است.

و یک روایت از حاج احمد معین پاسخ همه‌ی این زحمات و خدمت‌های صدیقه سادات شد:

پسرم مجتبی مدیر کاروان حجاج بود. صدیقه سادات هم با او به

زیارت می‌رفت. و طبق هرسال و آن سال (۱۳۶۶) به مکه رفت. آنجا به سؤالات شرعی خانم‌های زائر پاسخ می‌داد.

بار سفر را بسته بودند. این بار انگار همسرم حال و هوای خاصی داشت. همین‌طور که باهم نشسته بودیم به من گفت: حاج احمد بیا باهم عهدی کنیم. من که با تعجب به او نگاه می‌کردم گفتم: یعنی چی؟ چه عهدی؟ گفت: بیا عهد کنیم که بدون هم به بهشت برویم. من اصلاً از این حرف صدیقه ساداتم مانده بودم. روحیاتش را می‌شناختم و ایمانش مثال‌زدنی بود به بغض گفتم: تو داری از رفتن حرف می‌زنی؟ ساکت شد حرفی نزد. آن روز تمام شد و او برای زیارت‌خانه خدا به مکه رفت.

از مکه خبر رسید که آل سعود بسیاری از حجاج را در مکه به شهادت رسانده این حرف صدیقه سادات از ذهنم بیرون نمی‌رفت مرتب با مکه در تماس بودم و بالاخره رادیو اسامی شهادی حج را شروع کرد به اعلام کردن. و در بین اسامی نام صدیقه سادات برده شد. دنیا روی سرم خراب شد. ما باهم عهدی بسته بودیم و من منتظر همان عهد هستم.

و علاوه بر این بانوی شهیده، این خانواده قبل از شهادتش دو پسر یکی مرتضی معین ۲۴ ساله و دیگری مصطفی معین ۱۷ ساله را تقدیم انقلاب کرده بودند که به فاصله دو ماه از هم به درجه رفیع شهادت رسیدند.

پیکر مطهر این بانوی شهیده پس از انتقال به ایران در جنت الشهیدای نجف‌آباد در جوار دو فرزند شهیدش به خاک سپرده شد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



تاریخ: ۱۳۰۰/۱۲/۱۶
شماره: ۶۵۱۳۳۴۹۱۵

دانش اسطخ و و

باوقیت ائو غنایت حضرت ملی صحر علی اندتانی فرزند الشریف
و بااستیافته صوره شماره ۵۵۰ شماره ای حال خوانده ای ملیطیه

طولی سال خوانده ای ملیطیه
کرده سیرت خوانده ای ملیطیه تهران



سرکار قاضی صدیق سادات مومنان نجیب آبادی فرزند میادو متولد ۱۳۱۸ دارالحق شاولی ۱۹۰۲۳۱۸۳۹ دروس سلخ و و
باحصل ۱۷۱۰۰ (رضه) در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۱۹ درسد علیطیه فایبر نجیب آباد استان اصفهان برائتنامه ارساله:

موفق با تقاریب انباشته شده است.



مدیر کل اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بر اساس پیوسته شماره ۲۸۸ شماره ای حال اتعاب وقتی در امکان انباشته شده اند که از ای ملیطیه در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۱۹ درسد علیطیه فایبر نجیب آباد

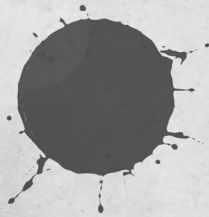
مصدق علیطیه
کرده سیرت خوانده ای ملیطیه
سالانه اسناد ایران







عذرتہ سے برفون
واللہ اعلم بالصواب



شہیدہ رقمہ رضایرلادیہ



نام پدر: محمدعلی

کد ملی: ۴۳۲۲۰۳۹۴۲۱

محل تولد: قزوین

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۰۲/۲۴

تحصیلات غیرحوزوی: دیپلم

تحصیلات حوزوی: مقدمات

تاریخ شہادت: ۱۳۶۶/۰۵/۰۹

محل شہادت: مگہ مکرمہ

نحوہ شہادت: جراحات وارده توسط رژیم سعودی

مرقد مطہر: قزوین

شهیده رقیه رضایی لایه

۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ رقیه رضایی دوران دبیرستان را می‌گذراند. جزوات و کتاب‌های انقلابی و سخنرانی‌های مذهبی در قزوین شور و حال دیگری را برای او که از دانش آموزان ممتاز دبیرستان بود به وجود آورده بود. حوزه‌های علمیه با پیروزی انقلاب پراز شور و هیجان خدمت بود. چیزی در وجود رقیه رضایی با آن استعداد فوق‌العاده‌ای که داشت می‌خواست پایه‌پای خدمت به انقلابی که شعارش کمک و سروسامان به مستضعفین بود پیش برود. حوزه راه مناسبی برای رفتن بود و خدمت.

اولین قدم او رفتن به کردستان بود. کردستانی که اتفاقات گوناگون و فقر آن به گوش همه‌ی مردم ایران رسیده بود. بالاخره تلاش‌های رقیه جواب داد و توانست به عنوان معلم تربیتی وارد کردستان شود. کردستانی که بچه‌هایش از داشتن مدارس محروم بودند و حتی کتاب و دفتر مشق برای باسواد شدن نداشتند. مردمی که از کمترین امکانات رفاهی محروم بودند و در خانه‌های گلی و سبک و سیاق کشاورزی و چوپانی روزگار می‌گذراندند.

مردم کردستان خانم معلمی را پیدا کرده بودند مثل فرشته‌ای که خداوند برایشان فرستاده باشد. نه اینکه فقط به کودکانشان درس بدهد که حتی در خدمت به زنان گُرد و رفع مشکلات مردم گُرد هم همت والایی از خود نشان می‌داد. گرچه کردستان درگیر اختلافات

داخلی بود اما با حضور رزمندگان و مبارزه با کومله‌ها و ضدانقلاب‌ها و حضور جهاد سازندگی و بسیج و سپاه، کمی بعد سروسامان پیدا کرد. وجود رقیه هنوز تشنه خدمت بود. این بار به سیستان و بلوچستان رفت و مدتی را هم به خدمت و کمک به این مردم سپری کرد.

سال ۱۳۶۶ رقیه رضایی با همسرش آشنا شد و طی مراسم ساده و با مهریه‌ای که یک سفر حج و ۱۴ سکه بهار آزادی بود به خانه بخت رفت و با کوله باری از تجربه کردستان و زاهدان به زادگاه خود قزوین برگشت و علاوه بر پیگیری دروس حوزوی به عنوان معلم علوم تربیتی در یکی از دبیرستان‌های قزوین مشغول به کار شد. اما با همان انرژی و تلاش که در استان‌های محروم داشت. برنامه‌های متنوعی را برای دانش آموزان همراه با توضیح احکام و مبانی دینی به راه می‌انداخت. و در عین حال در یکی از ارگان‌ها به عنوان مسئول عقیدتی و مربی آموزش نظامی هم خدمت می‌کرد.

بارها دانش آموزان خاطراتی از خانم رضایی نقل می‌کردند که او نه اینکه تنها در مدرسه با آن‌ها رفاقت می‌کرد و مشکلاتشان را حل می‌کرد که حتی به سراغ خانواده‌هایشان می‌رفت و مشکلاتشان را بررسی می‌کرد و راه و چاره‌ای برای آن می‌اندیشید. در مدرسه خانواده‌های مستمند را شناسایی می‌کرد و به مشکلات مادی آن‌ها توجه ویژه داشت و تا آنجا که می‌شد دست‌گیری می‌کرد.

حضور رقیه رضایی با آن بیان شیوا و شوخ‌طبعی و خاطرات زیاد از سفرهایش در مناطق محروم، تأثیرات فراوانی به همراه داشت که نام او را بر سر زبان‌ها انداخته بود.

همسر خانم رضایی می‌گوید: با آن مهریه کم و زندگی که دور از مادیات بود زندگی‌مان را آغاز کردیم. در همه حال حتی زندگی زناشویی‌مان رضای خدا را در نظر می‌گرفت. برخلاف همه از حرف‌های بیهوده و پراکنده بخصوص درباره افراد خودش را دور نگه می‌داشت. از غیبت دوری می‌کرد. از همان روزهای اول زندگی‌مان رقیه از فنا صحبت می‌کرد. عاشق شهادت بود و می‌گفت: «این امکان و فرصت برای مردها به وجود آمده که به جنگ بروند. اما برای زن‌ها چنین امکانی فراهم نیست. دوست دارم به‌گونه‌ای از دنیا بروم که اجر و مزد شهدا را داشته باشم.»

ماه ذی حجه ۱۳۶۶ رسید. رقیه با خانواده به نیابت از مادرش برای سفر حج آماده می‌شد. حال و هوایی داشت تا آنجا که گفته بود: «باید با آب زمزم غسل شهادت کنم!» کسی معنا و مفهوم این حرف را که بر دل رقیه حک شده بود، نفهمید. او در این حج، در روز براءت از مشرکین، مزدش را آن‌طور که از خدای خودش طلب کرده بود دریافت کرد.



شماره ثبت: ۲۸۳۸-۹۱۱۵
تاریخ صدور: ۱۳۰۱-۱۴۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَجْلَدُ الْفَرَاحِ
مَجْلَدُ الْفَرَاحِ

کتابخانه روح



با توفیق خداوند متعال و عنایت حضرت ولی عصر
عجله فرجه، به بویب شماره ۱۱۵، برای پاس کتاری فوزه ولی طبرستان؛

به: کرمانشاهم رفقه رضایی لایه
فرزند محمدعلی متولد ۱۳۴۵-۱۰-۱۲۲۳

د شماره تحویل ۴۰۳۷-۰۰-۲۲۱۱
کتابخانه روح ده کورستان (۱) اصفهان می شود.

شماره ملی ۳۹۴۳۲-۰۳۹۴۳۱۱

با شماره ملی

بیتابنده: حضرت امام رضا (ع)
زنجبیلی

بدین صورتی این کتابخانه را به کتابخانه روح فوزه ولی طبرستان می تقدیم می نماید.

محلان آرزویش مبارک الله اعلم
کتابخانه روح

شہد قسطنطین



عذرتنا من ذنوبنا
والله اعلم بالصواب
والله اعلم بالصواب



فاطمه اسدیان زهکرد شهیده



نام پدر: رضا

کد ملی: ۴۶۲۱۴۷۴۵۸۸

محل تولد: چهار و محال و بختیاری - شهرکرد

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۶/۰۱

تحصیلات غیرحوزوی: دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۲۰

محل شهادت: شهرکرد

نحوه شهادت: اصابت ترکش در بمباران هوایی

مرقد مطهر: شهرکرد-بهشت دو معصوم

شهیده فاطمه اسدیان دهکردی

فاطمه دختر سوم خانواده بود. دلسوز، مهربان و باتقوا. در تمام دوران تحصیل در دوره ابتدایی و راهنمایی در کلاس های مذهبی و مراسمات مذهبی شرکت می کرد و شور و شوق عجیبی از خود نشان می داد.

وارد دبیرستان شد و بعد از اتمام اول دبیرستان با مشورت خانواده و ذوقی که از خود نشان داد در امتحان ورودی حوزه علمیه قم شرکت کرد و پذیرفته شد. باید به قم می رفت و از این که در جوار خانم حضرت معصومه (سلام الله علیها) درس می خواند و زندگی طلبگی را شروع می کرد، بسیار شاد بود. اما مادر در خانه مریض بود و او خدمت و سرپرستی از مادر را به آنچه آرزویش را داشت ترجیح داد و در خانه ماند.

تا سال بعد دروس عربی را خواند و تا آنجا که می توانست از دیگران کمک گرفت تا مادر بهبود پیدا کرد و سال بعد خودش را به قم رساند. سال اول را متفرقه امتحان داد و در سال دوم حوزه پذیرفته شد و در سال دوم مکتب توحید قم مشغول به تحصیل شد.

تابستان ۱۳۶۴ به طور متفرقه سال سوم را امتحان داد و به علت مشکلات خانوادگی و برخلاف میل باطنی حوزه را ترک کرد و به شهرکرد بازگشت.

این بار باز از تحصیل دور نشد و در سال چهارم تجربی دبیرستان

نرجس مشغول به تحصیل شد و در پایان سال در رشته انگلیسی تربیت معلم فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در اصفهان قبول و راهی اصفهان شد.

دوستان تربیت معلم فاطمه او را خوب به یاد دارند. با صورت گشاده و نگاه‌های محجوب او را دیده بودند. آن‌ها بعدها متوجه شدند که او طلبه بود و این همه سختی را برای کسب علم طی کرده بود. از این‌که هیچ حرفی در این باره به آن‌ها نگفته بود بسیار متعجب بودند. همه به یاد دارند که فاطمه چقدر مشتاقانه در دعای کمیل و مراسماتی که برای شهدا برگزار می‌شد شرکت می‌کرد. نماز جماعتش ترک نمی‌شد و دیگران را هم برای شرکت در این‌گونه محافل و نماز دعوت و تشویق می‌کرد.

هنوز زندگی طلبگی جزو آرزوهای فاطمه بود هر فرصتی که دست می‌داد خودش را برای زیارت به قم می‌رساند حتی در دانشگاه تلاش می‌کرد و دانشجویان را به قم و زیارت حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) و مسجد جمکران می‌برد.

شش ماه از درس خواندن در دانشگاه تربیت معلم اصفهان می‌گذشت که خوابگاه دانشجویان به خاطر بمباران هوایی عراق تعطیل شد و دوباره فاطمه از تحصیل بازماند و به شهرکرد برگشت. فریده اسدیان خواهر فاطمه می‌گوید: «صبح بود که فاطمه آمد. گفت برویم مزار شهدا. گفتم باشد و باهم رفتیم. همین‌طور در قطعه شهدا راه می‌رفتیم که در قطعه پایانی شهدا که قبر خالی بود به من گفت: فریده خواب دیدم مرا اینجا دفن کردند. من نگاهی به قطعه

شهدا و آن قبر انداختم و خندیدم و گفتم فاطمه اینجا مزار شهداست. او هم لبخندی زد و برگشتیم.

هنگام برگشت به یاد خواب خودم افتادم. زنی در حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) در حال طواف است و همه دنبال او گریه می‌کنند. از یکی پرسیدم این زن کیست؟ به من جواب دادند این فاطمه اسدیان است. همان وقت تعبیر خوابم را پرسیدم و به من گفتند خواهرت شهید می‌شود.

حالا که به خانه برمی‌گشتیم آن خوابم و حرف فاطمه را نمی‌دانستم چطور کنار هم جمع کنم.

صبح ساعت ۱۱ بیست اسفند ۱۳۶۶ شهرکرد به وسیله هواپیماهای عراقی بمباران شد. در این بمباران فاطمه شهید شد و درست در همان قبری که نشان خواهرش داده بود در بهشت دو معصوم شهرکرد به خاک سپرده شد.



تاریخ پیدائش: ۱۳۰۸
تاریخ وفات: ۱۳۸۸

مکتبہ المدینہ دارالحدیث
مکتبہ المدینہ دارالحدیث

کوئٹہ ص ۲

باتوقیات خدازندستال و عیالیت حضرت ولی عصر

بہ موجب مجموعہ ۱۹ شہری ساری کتابی گزاردنی علیہ خولارانہ

۴۳۱۱۳۷۳۰۸۸
پاشاہ علی

۱۳۴۷-۱۳۷۱

مکتبہ

رضا

نیزند

فاطمہ اسمعیل دھودی

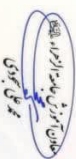
بہ سرکار خانم

کوئٹہ ص ۲ دو گھر شہری اعطاء می شود

۲۳۱۱۰۰۰۲۵۲
دشادہ تحصیل

مکتبہ المدینہ دارالحدیث
تاریخ پیدائش: ۱۳۰۸
تاریخ وفات: ۱۳۸۸

بہ مناسبت پروفیسر ایوب احمد ایوبی صاحبہ خاتون کی یاد میں



بندار ما ایست
که ما مانده ایم و شهدا زنده اند اما مصیبت آن است
که زنان ، ما را با خود برده است و شهدا مانده اند
سیدتی آسی ایلی





عذرتنا من ذنوبنا
والله اعلم بما كنا
على من آلينا



شهِيد امتحار عباس فر



نام پدر: شکرالله

کد ملی: ۴۰۷۲۱۹۵۳۸۳

محل تولد: لرستان - خرم آباد

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۶/۰۲

تحصیلات غیرحوزوی: دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۱/۰۹

محل شهادت: خرم آباد

نحوه شهادت: اصابت ترکش

مرقد مطهر: خرم آباد - بهشت رضا، در جوار خواهر شهیدش

شهیده افتخار عباسی فر

پدرش شکرالله بود بازنشسته کارخانه آرد و مادرش گلین نام داشت. فرزند پنجم خانواده بود. تحصیلاتش را در رشته اقتصاد در دبیرستان ۱۳ آبان خرم‌آباد به پایان رساند.

علاقه زیادش به فضای مذهبی و دینی باعث شد تا برخلاف تحصیل در رشته اقتصاد و توانایی برای ورود به این رشته در دانشگاه تصمیم به ادامه تحصیل در علوم دینی بگیرد و وارد حوزه بشود و از محضر درس استاد صدری و اساتید دیگری کسب فیض کند.

شهیده افتخار عباسی فرد در سن ۲۲ سالگی هنگامی که به دنبال خواهر کوچک‌ترش در همان دبیرستانی که خود تحصیل کرده بود رفت به خاطر بمباران هوایی دشمن بعثی هم خود و هم خواهرش نسترن عباسی فرد با ترکشی که به هر دوی‌شان اصابت کرد به شهادت رسیدند.

روحشان جاودان.



سوره الفاتحه



طوبی عالی حداد علی علیه
مرکزیت مجله علمی-فلسفی-فقهی-انسان



تاریخ: ۱۳۰۰/۱۲/۱۶
شماره: ۱۶۴۳۴۴۳

دانشجویان

با توفیق الهی رعایت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
و با استناد به شماره ۵۵۵ شورای عالی فرهنگ ملی علی علیه



دوره سنج یک را	۴۰۷۲۳۱۵۲۳۸۲	دالی شاهزادگی	۱۳۴۵	مبتلا	۱۳۶۷/۰۱/۰۹	در تاریخ	۱۷۱۰۰ (صد)	انتخابی نر	با معدل
----------------	-------------	---------------	------	-------	------------	----------	------------	------------	---------

عبدالحکیم رحمت اول

مرکزیت مجله علمی-فلسفی-فقهی-انسان
کتابت در دفتر مرکزیت تهران
سید علی محمدی علی علیه السلام



مجله علمی-فلسفی-فقهی-انسان

مرکزیت مجله علمی-فلسفی-فقهی-انسان
کتابت در دفتر مرکزیت تهران
سید علی محمدی علی علیه السلام





هر شهید که بنا دلدار ،
صفا آن که مایا ... نشسته خون اولاد ، در زمان استقامت که تا نام آن
دیده بدان که بنا رسد آنگاه ... بخون شهید ، جاذبه آنکه را خواهر است
وطلعت را خواهر درید ، همه بر لبه نور خواهر شود و روحش را از آن ،
به سفره خواهر کرد ، ما بر سر شهید آن هیچ راه جز نصرت و توجیه ندارد .
سید تقی میرزا علی



عذرتکم زنون
والله اعلم
بما كنتم تعملون



فاطمه ترکان آباد شهیده



نام پدر: علی

کد ملی: ۳۶۱۱۹۳۸۸۶۶

محل تولد: کرمان - بم - رستم آباد

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱۲/۱۰

تحصیلات غیر حوزوی: کارشناسی

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

تاریخ شهادت: ۱۳۸۸/۰۳/۱۰

محل شهادت: زاهدان

نحوه شهادت: اصابت گلوله در حمله اشراق در زاهدان

مرقد مطهر: بم - گلزار شهدای رستم آباد (۳۰ کیلومتری بم)

شهیده فاطمه ترکان ترک آبادی

۱۳۵۰ در روستای رستم آباد که در محدوده شهر تاریخی بم است به دنیا آمد. پدرش علی ترکان ترک آبادی از کسبه های معتمد بازار و مادرش سکینه از اهالی یزد و معلم قرآن بود.

مادر پایه های مذهبی و دینی فاطمه را ساخت و اعتبار و حرمت پدر در بازار او را دختری مورد احترام و با اخلاق به مردم شناساند. ۱۳۶۲ ازدواج کرد. اما هوش و ذکاوت و توانایی های فاطمه حتی بر همسرش هم پنهان نماند با اینکه باردار شده بود سال بعد (۱۳۶۳) با دیپلم ریاضی، در رشته آمار دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شد که به خاطر داشتن فرزند نوزادش نتوانست وارد دانشگاه شود.

کمی بعد خداوند به او فرزند دیگری عطا کرد و به همراه همسرش به شهر یزد مهاجرت کرد. اما توانایی و هوش فاطمه هنوز او را به فراگیری و آموختن متمایل می کرد. آرایشگری و خیاطی را در دوره های مختلف با داشتن دو فرزند به نام های زهره و علی و رسیدگی به امورات خانه و خانواده آموخت و سعی می کرد خودش را از جامعه دور نگه ندارد.

کمی بعد به خاطر عشق فراوان به مادر و پدر به همراه همسر و فرزندانش به زاهدان برگشت و دوباره سراغ تحصیل رفت، ولی این بار آموخته های مادر در زمان کودکی، در او انگیزه ای بود تا به تحصیلات حوزوی در محل مکتب نرجس زاهدان مشغول شود و همزمان در رشته نرم افزار کامپیوتر در دانشگاه جامع تکنولوژی زاهدان پذیرفته شد.

او در ضمن تحصیل مربی رایانه خواهران مکتب نرجس نیز بود و بعد از تحصیل مدت ۳ سال در هنرستان خدیجه کبری زاهدان به تدریس پرداخت.

هنوز وجود پرتلاطم فاطمه می خواست کاری کند. با وجود موانع زیاد و همچنین حفظ خانواده، تصمیم به تأسیس شعبه خواهران موسسه مالی و اعتباری مهر گرفت و آن را راه اندازی کرد.

در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ رئیس شعبه خواهران موسسه مالی اعتباری مهر شد و بعد از آن با مسئولیت های اجتماعی بسیار، مدیر بازسازی عتبات و عالیات استان سیستان و بلوچستان و رئیس شعبه مرکزی موسسه مالی و اعتباری مهر را بر عهده گرفت.

اما در روز یکشنبه ۱۰ خردادماه ۱۳۸۸ فاطمه ترکان به همراه ۵ نفر از همکاران مشغول امور همشهریان بودند که متوجه شلوغی و صدای تیراندازی در اطراف می شوند و اشرار بعد از تجمع با سنگ و اشیا سخت شیشه های موسسه را شکسته و با خودرو جلو درب موسسه را بستند و به داخل موسسه هجوم آوردند و موسسه را آتش زدند و فرار کردند.

در این سانحه ۶ نفر که یکی از آن ها شهیده فاطمه ترکان بود به شهادت رسیدند.

پیکر فاطمه ترکان در سن ۳۸ سالگی در گلزار شهدای رستم آباد واقع در ۳۰ کیلومتری شهر بم در کنار بدن پدر بزرگوارشان به خاک سپرده شد.



عذرتی زنون
والله اعلم
بما تنصرون

زهرا قتی خداسمیری شهیده



نام پدر: احمد

کد ملی: ۲۶۶۸۱۹۱۲۲۱

محل تولد: گیلان-فومن

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱۰/۲۰

تحصیلات غیرحوزوی: دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

حوزه علمیه: جامعه الزهرا سلام الله علیها

تاریخ شهادت: ۱۳۹۰/۰۸/۱۷

محل شهادت: جاده سامرا-بغداد

نحوه شهادت: بمب گذاری گروهک تروریستی

مرقد مطهر: گیلان-فومن

شهیده زهرا دقیقی خدا شهیری

وقتی دیپلمش را گرفت وارد حوزه علمیه رشت شد. کشاورز زاده بود و بوی شالی را خوب می‌شناخت. چند سالی از ورودش به حوزه نگذشته بود که باروحانی جانباز هفتاد درصد ازدواج کرد. روح لطیف زهرا به زندگی با همسر جانبازش زیبایی چندانی داده بود. توسل و توجه او در نوشته‌هایش به آقا امام زمان از خلوص او نشانه‌های زیبایی به جا گذاشته؛ نوشته بود:

« آقا! دوست دارم گوشه‌ای بنشینم و زیر لب صدایت کنم. چشمانم را به گوشه‌ای خیره کنم تو هم مقابلم بنشینی و متوجه ات شوم. هی نگاهت کنم؛ آن قدر که از هوش بروم بعد به هوش بیایم و ببینم سرم روی دامن شماست. حس می‌کنم بوی خوش از نسیم تنت به مشامم می‌خورد. آن وقت احساس می‌کنم وصال حقیقی عاشق و معشوق روی داد. بعد وعده شهادت را بدهی و من خودم رانشته بر بال ملائک احساس کنم و بشنوم که به من وعده شفاعت و هم سفره‌ای با خودت را بدهی آن وقت با خیال راحت از آتش عشق، مثل شمع بسوزم و آب شوم و هلاک شوم و جان دهم.»

و همین روح تسلیم شده به امام زمان بود که وقتی از او پرسیدند که چرا زندگی‌ات را به پای جانباز شیمیایی هفتاد درصد ریخته‌ای و حالا دو فرزند هم از او داری پاسخ داد:

«مگر دوست نداری که با یک شهید گفتگو کنی؟ با یک شهید

زندگی کنی؟ من در هر لحظه از زندگی با همسرم به سرزمین شهادت می‌روم. به دشت‌های سبز ایمان می‌روم. به سرخی شفق می‌روم به قله توحید می‌روم. ما باهم از چشمه‌های وحدت می‌نوشیم. من با او به جهاد می‌روم. من با او به جهاد اکبر می‌روم. من با او به نبرد اهریمن نفس می‌روم.»

و این زبان و این گفتگو، راهی جز شهادت نداشت. در سفر کربلا و زیارت در سامرا، در سن ۴۱ سالگی بر اثر انفجار بمب در حرم مطهر، مقابل چشم‌های همسر و فرزندش به شهادت نائل آمد و پیکر مطهرش پس از انتقال در زادگاهش آرام گرفت.



شماره: ۲۸۲۰-۲۸۲۱
تاریخ صدور: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَجْلَدُ الْإِسْلَامِ فِي مَعْرِفَةِ الْوَلَدِ الْمَوْلَى الْعَمْرِيَّةِ

کتابنامه ط ۵۵

بالتوفیق خداوند متعال و عنایت حضرت ولی عصر

عجوب صاحبزاده شاهی سادات کبیری خواجه فاضل علی خاواران؛

۳۳۳۸۱۹۱۳۳۱

شماره ملی

۱۳۴۹۱۰۱۳۰

شماره

احمد فرزاد

بزرگوارانم زهرا دهقانی خدائیسوی

رقعه تحمیلی ۳۱۱۱۰۳۵۰۶ کتابنامه ط ۵۵ درگذشتی (اعطاء می شود)

پایگاه اطلاع رسانی
آموزشی

پسند سهرابی، ابن کثیر، ابن کثیر، ابن کثیر، ابن کثیر

مجله علمی پژوهشی
آموزشی



عذرت من رفون
والله قتلوا من قبل الله
آدم تبارك



شهیده رقیه حسین زاده اومالی



نام پدر: علی

کد ملی: ۴۹۹۹۳۶۶۵۰۹

محل تولد: مازندران- نکا

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۰۸/۰۴

تحصیلات غیر حوزوی: سیکل

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

حوزه علمیه: قدسیه- بهشهر مازندران

تاریخ شهادت: ۱۳۹۲/۰۸/۲۸

محل شهادت: لبنان- بیروت

نحوه شهادت: اصابت ترکش در بمب گذاری گروهک تروریستی

مرقد مطهر: مازندران- نکا- گلزار شهدای روستای اومالی

شهیده رقیه حسین زاده اومالی

پدرش علی آقا کشاورز بود و مادرش محترمه خانم. در شهرستان کوچک نکا زندگی می‌کردند و ۱۳۵۳ به دنیا آمده بود. مدرسه ابتدایی را در روستای ولیجی نکا گذراند و چون در روستا مدرسه راهنمایی نداشت هر روز در زمستان سرد به شهر نکا می‌رفت.

در دوره راهنمایی شهر نکا پراز شور و هیجان جنگ بود و علاوه بر آن همیشه مورد توجه؛ که مبادا نیروگاه برق نکا مورد حمله هوایی دشمن قرار بگیرد. اخبار جنگ در صدر بود و بحث شهید و شهادت داغ. شهدا در شهر نکا که خیلی هم وسعت نداشت و تنها به یکی دو تا خیابان اصلی منتهی می‌شد تشیع می‌شدند و رقیه همیشه این چیزها را می‌دید.

۹ سالش شده بود که مادر چادر را به سرش گذاشت و هیچ‌کس نه در روستا و نه در مدرسه ندید که رقیه چادر به سر نداشته باشد. قرآن را خوب یاد گرفته بود و ادعیه را بخصوص زیارت عاشورا را خوب می‌خواند. انگار که زیارت عاشورا او را به شهادت نزدیک می‌کرد. آرزو می‌کرد و نمی‌دانست کی؟ کجا و چطور روزی آرزویش برآورده می‌شود. نماز اول وقت را از همان زمان که چادر به سر کرده بود خوب با خودش تمرین می‌کرد؛ و شب‌های فاطمیه بی‌قراری‌های رقیه را برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) خیلی‌ها هنوز خوب به یاد دارند. رقیه از همان دوره راهنمایی فکر و ذهنش با آنچه در مدرسه به

او می‌آموختند همخوانی نداشت. درس‌های مدرسه روح پاکیزه جوی او را سیراب نمی‌کرد. پس باید جایی باشد که درس‌های دیگری برای پاکیزگی روح و جان او بسازد و راه را نشانش بدهد.

۱۳۶۵ امتحانات سال سوم راهنمایی تمام شد و رقیه دیگر تصمیمش را گرفته بود و این تصمیم را با خانواده در میان گذاشت. می‌خواهم بروم حوزه و درس بخوانم.

و نزدیک‌ترین حوزه علمیه خواهران، حوزه علمیه بهشهر بود و او توانست به آنجا برود. تا دو سال دروس حوزوی را خواند. با همسرش که اهل جبهه و جنگ بود آشنا شد و سالهای پایانی جنگ را به جبهه رفت. زیارت عاشورا خواندن‌های مدام رقیه مثل اینکه او را به شهادت نزدیک می‌کرد. هنوز سفره شهادت برپا بود و او می‌توانست به آنچه باید برسد.

اما جنگ تمام شد. سفره شهادت برای اهالی شهادت برچیده شد؛ اما آنکه باید و آنچه باید اتفاق بیافتد، اتفاق خواهد افتاد.

۱۳۸۷ همسرش که دیگر در وزارت امور خارجه مشغول بود مأموریت تازه‌ای پیدا کرد؛ و همراه با فرزندانش به لبنان هجرت کردند و زندگی در لبنان را شروع کردند.

هنوز آرزوی شهادت نسیم جان بخشی بود که هر بار روح رقیه را تازه نگه می‌داشت. در قلب خطر آن‌هم در لبنان که هر روز و هر بار اتفاقات جدیدی را رقم می‌زد شهادت دور از ذهن نبود. رقیه وصیت‌نامه‌اش را نوشت و در قسمتی از وصیت‌نامه‌اش آمده است:

« الحمدلله هیچ نماز و روزه‌ای بدهکار نیستم و همه را به جا آوردم.

با خلعتی که در سفر کربلا خریده‌ام و طواف ائمه معصومین علیهم‌السلام شده است به همراه تربت امام حسین علیه‌السلام دفن شوم و در هنگام خاک سپاری روضه بی بی حضرت زهرا علیها‌السلام و امام حسین علیه‌السلام خوانده شود و تا یک ساعت بعد از خاک سپاری کنار قبرم بمانید و برایم قرآن تلاوت کنید. به دوستان و نزدیکان اعلام کنید نماز لیلۀ الدفن یادشان نرود که بسیار محتاجم. تمام هزینه‌های کفن و دفن و مراسم و مجالس ترحیم را از خورده دارایی‌ام که نزد شما باقی است، پرداخت کنید و نگذارید دیگران متقبل شوند و همچنین هزینه مراسم سالگرد، برای ساخت مساجد و حسینیه و تهیه جهیزیه دختران نیازمند هدیه شود. وصیت‌نامه را که نوشت مانند نوشتن آرزوی برآورده نشده‌ای بود که باید جایی ثبت می‌شد. شهادت؟ مگر می‌شود حالا؟ اینجا؟ در لبنان؟ در کنار سفارتی که همیشه حفاظت می‌شود و هر بار در امنیت کامل، در رفت و آمد هستند؟

زندگی همان چیزی است که آرزویش را داری و آرزوی شهادت به توسل و قلبی پاک نیاز دارد. هنوز فاطمیه که می‌آمد مراسم‌هایی که خانم حسین زاده برپا می‌کرد، جمع عزاداران را چه در روستا و چه در لبنان و هرجایی که بود و نبود فرامی‌خواند و همه‌ی هزینه‌های مراسم را از روضه‌خوان تا اطعام را خودش به عهده می‌گرفت و دل خوش بود برای آرزویی که همیشه در دل داشت.

در قلب لبنان و مباحث مختلف سیاسی تنها نگاه سیاسی رقیه حسین زاده بیانات رهبری بود و آنچه در سخنرانی‌ها و نوشته‌های ایشان

به او می‌رسید. با نکته‌سنجی می‌خواند و اگر بحثی در می‌گرفت از ایشان می‌گفت و همیشه برایش فصل الخطاب بود.

حالا با موقعیتی که در لبنان برایش پیش آمده بود بسیار مورد توجه آشنایان بود و مرتب این نکته را به دیگران توجه می‌داد که: اگر انسان در دنیا عزت و احترامی دارد از ناحیه خداوند است و تعریف و تمجید دیگران به آدمی عزت و احترامی نمی‌دهد.

اخلاق حسنه رقیه هنوز زبانزد است به همان عزت و احترامی که همیشه از طرف خداوند می‌دانست.

سال ۱۳۹۲ سال برآورده شدن آرزویی بود که سال‌ها در دل می‌پروراند. اتفاقی که در صدر اخبار ایران قرار گرفت. سفارت ایران در بیروت بمب‌گذاری شد و تعدادی از ایرانیان سفارت به وسیله گروهک‌های سلفی و تکفیری به شهادت رسیدند و در بین آن نام‌ها نام شهید رقیه حسین زاده نیز آرزوی برآورده‌ای بود که میوه‌ای شد در باغ شهادت و آنچه در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود یک‌یک همان شد که او می‌خواست.

با شهادت او بر همه ثابت شد که در باغ شهادت هنوز باز باقی است.



دانشنامه جامع آیت الله العظمی آقا محمد تقی جعفری



تاریخ: ۱۳۰۰/۱۲/۱۶
شماره: ۱۶۶۶۳۴۲۲

دانشنامه جامع

با توفیق الهی غایت حضرت و اخصر آنند تقی از فرزندان شریف
و راستین و صومعه‌ها در ۵۵ جلد شورای عالی فقه در ۵۱ جلد



شماره ملی کتابخانه ملی
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

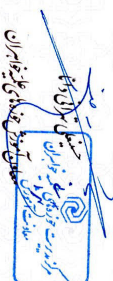


سرکلرنگاً رقیب حسین زاده اومالی عزیز علی متولد ۱۳۵۲ دارای شواهدی ۳۹۹۹۲۳۶۶۵۰۹ دوری شرح یکیت را
با مصل ۱۷/۳۱ (مضدوی و یک صدم) در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۸ در دست علیته قدیمه شهر بیاتاق ساندو

و موافق بر این قرار انقضای آن شده است.



مرکز داده ملی کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



عذرتیست زنون
والله قاتلکم فیما بین الیوم والآخر



شهیده خدیجه ولرزاده

نام پدر: حسین

کد ملی: ۱۸۸۰۲۴۷۰۷۰

محل تولد: خوزستان - شوشتر

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۷/۰۱

تحصیلات غیر حوزوی: فوق دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح ۳

حوزه علمیه: جامعه الزهرا سلام الله علیها

تاریخ شهادت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۴

محل شهادت: عراق - حله

نحوه شهادت: اصابت ترکش گروهک تروریستی داعش

مرقد مطهر: اهواز

شهیده خدیجه ولی زاده

خدیجه ولی زاده متولد اهواز بود در سال ۱۳۳۶ به دنیا آمد. فوق دیپلم عربی داشت و بعد از آن وارد حوزه علمیه قم شد. ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند بود. فعال و مبارز ضد رژیم شاهنشاهی در زمان انقلاب بود. در زمان جنگ تحمیلی فعالیت‌های زیادی در پشتیبانی از جنگ داشت. برپاکننده جلسات مذهبی و قرآنی در شهر اهواز و بخصوص محل زندگی خود بود. اولین مسئول بسیج خواهران مسجد امام حسین علیه السلام فاز دوم شهر اهواز بود و معلم آموزش و پرورش. و بالاخره در سال ۱۳۹۵ در مسیر پیاده‌روی اربعین توسط گروهک تکفیری سلفی داعش به فیض شهادت نائل آمد و پیکر مطهرش در شهر اهواز آرام گرفت.



عذرتي سزوني
والله قاتلوا من قبل الله
تباركوا



فاطمه سادات حسيني شهيد



نام پدر: سيد محمد

کد ملی: ۴۸۲۰۰۳۰۸۳۳

محل تولد: اصفهان

تاریخ تولد: ۱۳۷۴

تحصیلات غیر حوزوی: دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح ۲

حوزه علمیه: الزهراء المرضیه - اصفهان

تاریخ شهادت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

محل شهادت: کرمان

نحوه شهادت:

مرقد مطهر:

شهیده فاطمه سادات حسینی

شهید فاطمه سادات حسینی در سال ۱۳۷۴ در استان کرمان متولد شد. فرزند آخر خانواده ۷ نفره حسینی و خواهرش مهدیه سادات که معلم بود، تنها دختران این خانواده بودند که در احترام به والدین و مهربانی به آنها اهتمام بسیار داشتند. خادمیاری شهدا عنوانی بود که فاطمه سادات طلبه، آن را برای خویش برگزیده بود. با شهادت سردار دلها، حاج قاسم سلیمانی و اعلام روز مراسم تشییع او در کرمان، فاطمه سادات که قبل از آن مدام حرف از شهادت می زد و حتی کوچه ای را به نام خود «شهید فاطمه سادات حسینی» به تصویر کشیده بود، به همراه خواهرش مهدیه و پدر که خود از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس بود، به سمت جایگاه و مراسم تشییع حرکت می کنند. آخرین تصویر پدر از دخترانش دادن تنقلات است که از حال پدر و عدم ضعف او مطمئن شوند و پس از آن... فاطمه وصیت کرده بود پیراهن عمومی شهیدش - سید محمود سادات حسینی - و کتاب «سلام بر ابراهیم» را با او در قبر بگذارند پس از آن که شهادت برایش رقم خورد، همان شد که می خواست.





عذرتی سب زنون
والله اعلم بالصواب



شہیدہ بتول مطہری



نام پدر: علی

کد ملی: ۰۳۸۵۲۰۵۰۴۱

محل تولد: قم

تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۰۳/۲۳

تحصیلات غیر حوزوی: مهندسی آبیاری

تحصیلات حوزوی: سطح ۱

حوزه علمیه: جامعه الزهرا سلام الله علیها

تاریخ شهادت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

محل شهادت: جاده سامرا-بغداد

نحوه شهادت: عملیات تروریستی داعش

مرقد مطهر: وادی السلام-نجف

شهید بتول مطهری

شهید «بتول مطهری» در سال ۱۳۶۲ متولد شد و با اینکه تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی آبیاری کشاورزی از دانشگاه همدان دریافت کرده و شاغل شده بود، علاقه به تحصیل در علوم دینی او را به سمت جامعه الزهرا (سلام الله علیها) در قم کشاند.

او که یکی از بسیجیان فعال در امور فرهنگی بود، با حجت الاسلام والمسلمین سیدرضا بطحایی، که وی نیز طلبه‌ای بود از گلپایگان، ازدواج نمود. در خردادماه سال ۱۳۹۳ با توجه به این‌که شنیده بودند [شیعیان] در سامرا امام جماعت ندارند، تصمیم گرفتند برای مراسم نیمه شعبان به سامرا سفر کرده و شرایط را برای تبلیغ بررسی کنند و در صورت مهیا بودن شرایط در آنجا ساکن شوند. روز ۱۴ خرداد، پس از زیارت حرم عسکریین علیهم السلام و زمانی که قصد عزیمت به نجف اشرف را داشتند، با صدای تیراندازی و انفجار متوجه محاصره‌ی حرم مطهر توسط داعش و بهم خوردن اوضاع امنیتی شدند. برای امن شدن شرایط حرکت خود را به تاخیر انداختند و بعد از یک هفته در روز ۲۱ خرداد ۱۳۹۳ (سیزدهم شعبان ۱۴۳۵) از حرم خارج شدند ولی در مسیر سامرا به بغداد، بی‌خبر از کمین تروریست‌های داعشی، گرفتار حمله تروریستی شدند و شهید بتول مطهری، همسرش حجه الاسلام والمسلمین بطحایی، و حاصل این زندگی مشترک، سید محمدعلی

سه ساله و فرزندی که در راه داشتند، همگی مظلومانه و غریبانه، به شهادت رسیدند. چندی بعد، ماشین مچاله شده و سوخته‌شان در اطراف سامرا پیدا شد، در قبرستان وادی السلام نجف مقابل آرامگاه شهید ذوالفقاری، بنای یادبودی برای این خانواده شهید ساخته شد. از شهید بتول مطهری یادداشت‌های روزانه‌ی او باقی مانده است. در سفرش به کربلا، در این یادداشت‌ها، متن زیر آمده است:

«اینجا کربلا است و من قریب ده روز است، میهمان آقای هستم که تمام ذرات وجودم هم اگر روضه‌ی وداع بخوانند. باز نمی‌توانم وداع کنم. چگونه من اینجا حیات یافته‌ام و اکنون... نمی‌دانم شاید اگر فرصت داشتم، سر روی دفترهایم می‌گذاشتم و سال‌ها گریه می‌کردم. ولی می‌خواهم زود بروم زیارت. دلم تنگ شده. می‌خواهم بروم تا همه بگویند قرار نیست وداع کنم. آقا! من بی‌طاقت می‌شوم وقتی برایم می‌خواهند از وداع بگویند. کمکم کن آقا! دلم برایت تنگ است یا حسین! (۲۸ شوال، شنبه، پشت خیمه‌گاه)».



شماره پست: ۳۳۱۳۳۵۰
مدیر صندوق: ۱۰-۱۶۸۸۸۸۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مَجْمَعَةُ التَّحْقِیْقِ وَالتَّوَسُّطِ عِلْمِیِّیْنَ

کتابخانه علی بن ابی طالب



بالتوفیق خزانة مسائل و عمایات حضرت ولی عصر
عجل الله فرجه

۰۳۸۵۳-۰-۵-۴۱

بأشهر علی

۱۳۳۲۱-۲۱۳۳

مجلد

عصی

فرزند

به سرکار خانم بیول مطهری

درجیب مصحف ۱۹۵ شماره ای است که برای خریداری علی بن ابی طالب

کتابخانه علی بن ابی طالب (کتابخانه) شماره ۱۳۸۵۱۵۳-۰۷

مجموعه کتابخانه حضرت ولی عصر
عجل الله فرجه
تذکره نویسی

بدان سرور بنویسید این کتاب را برای خودتان یا یکی از عزیزان خود

مجموعه کتابخانه حضرت ولی عصر
عجل الله فرجه
تذکره نویسی

ضمایم (آمار، تصاویر)

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶
شماره: ۶۴۸/ص ۱۴۰۱
پیوست: دارد



حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مولایی (زید عزه)

مدیر عامل محترم مؤسسه انتشارات حوزه های علمیه

سلام علیکم؛

با حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل محمد، احتراماً ضمن تواضع در محضر شهدای گرانقدر، خاصه شهدای روحانی، بالاخص شهدای روحانی خواهر که در دفاع از مکتب فاطمی، با نثار جان در پای انقلاب اسلامی، به عهد خویش با حضرت زهرا (سلام الله علیها) وفا نمودند؛ به استحضار می‌رساند: حوزه های علمیه خواران، مفتخر است طلایی را در دل خود می‌پروراند که پس از فهم عمیق از دین، حاضرند همانند شهدای صدر اسلام، در مسیر اعتلای کلمه الله، تمام هستی خود را فدا نمایند، که چهارده شهیده روحانی خواهر ذیل، نمونه کوچکی از این ظرفیت بزرگ بانوان در عرصه دفاع از اسلام است.

بی شک کمترین کار ما (وزارتان خط سرخ شهادت) در قبال شهدای عزیز، زنده نگه داشتن نام و یاد شهدا و ناسی به سیره آنها است. ضمن قدردانی از همه اشخاص از جمله جناب آقای ساعد نیکبخت و حضرتعالی که در زنده نگه داشتن خط سرخ و احیا گر شهادت تلاش می کنید؛ انتظار می رود نام مبارک و مشخصات اجمالی شهدای روحانی خواران شهیده (۱- فهیمه سناری، ۲- بتول مطهری، ۳- فاطمه اسدیان، ۴- رقیه رضایی، ۵- زهرا دقیقی، ۶- خدیجه ولی زاده، ۷- فخرالسادات کفایش حسینی، ۸- رقیه حسین زاده، ۹- سیده فاطمه سادات حسینی، ۱۰- فاطمه ترکان ترک آبادی، ۱۱- صدیقه سادات موسویان، ۱۲- افتخار عباسی فر، ۱۳- شهناز محمدی زاده، ۱۴- شهناز حاجی شاه) را به شرح پیوست، در کتاب "فرهنگ اعلام شهدای روحانی" و کتاب "شهدای روحانی" درج فرمایید.

پیشاپیش از مساعدت و تلاشهای صادقانه شما کمال تقدیر و تشکر، تقدیم می گردد.

رسول حسن هاشمی
مدیر شورای سیاست گذاری
مؤسسه های علمیه خواران
م/ه

آدرس: میدان بسیج، بلوار شیخ عباس قمی، نبش کوچه ۴، ساختمان شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواران
تلفن: ۰۲۵-۲۱۳۲۸۸۸۸، شماره: ۰۲۵-۲۱۳۲۸۸۸۸، کدپستی: ۳۷۱۵۹۵۶۸۱۷، ایمیل: info@pccs.ir



۱۴ شهیده حوزه‌های علمیه خواهران

۷۱۱۰۰۹۲۰	کد حوزه: ۲	کد ملی: ۰۰۳۸۵۲۸۶۵۱	سطح: ۲	فئیمه سیاری	۱.
۱۳۸۵۱۵۲۰۶۷	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۰۳۸۵۲۰۵۰۴۱	سطح: ۱	بتوطه مطهری	۲.
۷۲۱۱۱۰۰۰۲۵۶	کد حوزه: ۲	کد ملی: ۴۶۲۱۴۷۴۵۸۸	سطح: ۲	فاطمه اسدیان دهکردی	۳.
۴۲۱۱۰۰۴۰۳۷	کد حوزه: ۲	کد ملی: ۴۳۲۲۰۳۹۴۱۱	سطح: ۲	رقیه رضایی لایه	۴.
۷۲۱۱۰۰۳۵۰۶	کد حوزه: ۲	کد ملی: ۲۶۶۸۱۹۱۲۲۱	سطح: ۲	زهرا دقیقی خداهشهری	۵.
۱۳۸۶۲۱۱۱۴۸	کد حوزه: ۳	کد ملی: ۱۸۸۰۲۴۷۰۷۰	سطح: ۳	خدیدجه ولی زاده	۶.
۱۶۰۶۴۴۹۶	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۰۳۸۱۲۳۵۸۵۸	سطح: ۱	فخرالسادات کفاش حسینی	۷.
۱۶۶۶۴۴۹۲	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۴۹۹۹۳۶۶۵۰۹	سطح: ۱	رقیه حسین زاده اومالی	۸.
۲۹۴۶۳۷۵۴	کد حوزه: ۲	کد ملی: ۴۸۲۰۰۳۰۸۳۳	سطح: ۲	سیده فاطمه سادات حسینی	۹.
۱۸۱۶۴۴۹۳	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۳۶۱۱۹۳۸۸۶۶	سطح: ۱	فاطمه ترکان ترک آبادی	۱۰.
۲۵۱۹۹۴۱۶	کد حوزه: ۲	کد ملی: ۱۰۹۰۷۴۱۸۳۲	سطح: ۲	صدیقه سادات موسویان نجف آبادی	۱۱.
۱۶۶۶۴۴۹۴	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۴۰۷۲۱۹۵۳۸۳	سطح: ۱	افتخار عباسی فر	۱۲.
۱۵۸۶۴۴۹۱	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۱۸۲۹۲۲۶۸۵۱	سطح: ۱	شهناز محمدی زاده	۱۳.
۱۵۸۶۴۴۹۰	کد حوزه: ۱	کد ملی: ۲۰۰۰۴۸۶۵۱۷	سطح: ۱	شهناز حاجی شاه	۱۴.

آدرس: میدان بسیج، بلوار شیخ عباس قمی، نبش کوچه ۴، ساختمان شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواهران
تلفن: ۰۲۵-۳۱۳۳۸۸۸۲ - شماره: ۳۱۳۳۸۸۸۸ - ۰۲۵ - کدپستی: ۳۷۱۹۵۶۸۱۷ ایمیل: info@pccs.ir



آمار بانوان در عرصه جهاد و شهادت از پرورش و تقدیم فرزند برومند شهید تا شهادت و بذل جان در راه دین و میهن



مادران چند شهیدی رفیع عرس



شش شهید
مادر ۶



هفت شهید
مادر ۱



هشت شهید
مادر ۱



نه شهید
مادر ۲



دو شهید
مادر ۸۱۸۸



سه شهید
مادر ۶۳۱



چهار شهید
مادر ۸۲



پنج شهید
مادر ۲۱

آیا تاکنون آماری از تعداد شهدای زن در طول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی دیده‌اید؟
آمار کل شهدای زن در طول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ۴۷۷۰ نفر بوده که ۲۷۵۳ نفر آن‌ها
مجرد و ۲۰۱۷ آن‌ها متأهل بوده‌اند. طلبه خواهر شهیده ۱۴ نفر.
از این تعداد ۱۰۲ شهید در زمان رژیم شاه، ۱۲۱ نفر توسط ضد انقلاب اشرار و منافقین، ۴۳۶۳ نفر در
جنگ تحمیلی، ۱۶۵ نفر در خارج از کشور و ۱۹ نفر دیگر در سایر موارد به شهادت رسیده‌اند.
تعداد شهدای زن شاغل دولتی ۲۰۴ نفر، مشاغل غیردولتی ۱۲۹ نفر، دانش‌آموزان ۸۷۱ نفر، دانشجو
۱۲ نفر، خانه‌دار ۲۶۶۷ نفر و مشخص نشده ۶۷۹ نفر بوده‌اند. تعداد شهدای زن براساس
وضعیت سکونت ۴۰۴۸ شهید شهری، ۷۲۷ شهید روستایی بوده‌اند که از این تعداد حدود یک
سوم ۱۵۷۰ نفر از زنان دلیر خوزستان بوده‌اند.



آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی در یک نگاه

استان	تیرور و اشام از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶	فدای مقدس	مدافع جرم	آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی در یک نگاه:					آمار نهادهای شهود		تأسیسات:			
				سیدالشهدا - خواتم و سزایح	شهیدان روحانی و طالبان بیرون	بانشخص	جمع	مقتولین الاثر	شهیدان تقدیمی	الصد				
				سیدالشهدا - خواتم و سزایح	شهیدان روحانی و طالبان بیرون	بانشخص	جمع	مقتولین الاثر	شهیدان تقدیمی	الصد	شهیدان ایرانی	مقتولین در خارج	سپهانی غیر ایرانی	مقتولین غیر ایرانی
آذربایجان شرقی	۲	۱۰۵		۷		۴	۱۱۸	۴	۲۵					
آذربایجان غربی	۱۶	۶۰		۶		۲	۸۵	۱	۱۱					
اردبیل	۱	۳۵					۳۶	۱	۸					
اصفهان	۱۳	۵۰۸	۲	۷	۴	۹	۵۲۳	۲۴	۹۰	۱	۱			
البرز	۲۲	۱	۱	۲		۱	۳۶		۶					
ایلام		۱۱					۱۱		۲					
بوشهر	۲	۲۳		۱	۱		۲۷		۴					
استان تهران	۳	۷۴	۳				۸۳	۱	۱۱					
تهران بزرگ	۱۶	۲۸۰	۱	۶	۴	۱۰	۳۱۷	۱۸	۳۳	۳				
چهارمحال بختیاری	۲	۷۱	۱				۷۴		۱۱					
خراسان جنوبی	۱	۴۷					۴۸	۱	۹					
خراسان رضوی	۵	۳۱۹	۵	۱۴	۶	۳	۳۵۲	۸	۴۹	۱۴				
خراسان شمالی		۵۹		۳			۶۲	۱	۱۳					
خوزستان	۴	۱۲۴	۷	۵			۱۴۰	۱۰	۲۳	۱				
زنجان		۲۹			۱	۱	۳۱		۴					
سمنان		۷۰	۲	۱		۲	۷۵	۱	۱۱					
سیستان و بلوچستان	۷	۲۸			۲		۳۷	۳	۵	۲				
فارس	۶	۲۷۱	۲		۲		۲۸۱	۴	۶۵					
قزوین	۱	۸۰	۱				۸۲	۲	۱۷	۱				
قم	۱۳	۱۸۸	۱۴	۱۵	۴		۲۳۴		۱۶	۱۸				
کردستان	۲۲	۳۵		۱۰	۱		۵۸		۱					
کرمان	۳	۱۲۶	۱		۱	۱	۱۳۱	۱	۲۹	۱				
کرمانشاه	۱	۴۷		۱	۱		۵۰		۳					
کهگیلویه و بویراحمد		۳۰		۲		۲	۳۴		۴					
گلستان	۴	۶۱		۱		۱	۶۷		۱۵	۱				
گیلان	۱۰	۱۱۴	۱	۶	۲		۱۳۳		۳۵	۱				
لرستان	۲	۴۸		۲	۱		۵۳	۸	۶	۱				
مازندران	۱۰	۳۴۰	۲	۱۳	۳		۳۶۸	۱	۸۴	۳				
مرکزی	۴	۶۲		۲	۱		۶۹	۱	۴	۱				
هرمزگان		۲۶					۲۶	۱	۶					
همدان	۷	۸۲		۶	۱		۹۶	۳	۱۵	۱				
یزد	۱	۱۲۶		۲	۱		۱۳۰		۳۴	۱				
جمع کل آمار ۳۲ رده استانی	۱۵۶	۳۵۰۱	۴۳	۱۱۲	۴۳	۳۲	۳۸۸۸	۹۳	۶۳۸	۴۸	۴			



آمار رزمندگان، جانبازان و آزادگان حوزه های علمیه خواهران به تفکیک استان
(این لیست با جمع آوری اطلاعات از استان ها کامل خواهد شد)

۱۰	قزوین	۴۲	آذربایجان شرقی
۴	قم	۳۸	آذربایجان غربی
۱۰	کردستان	۶	اردبیل
۴۸	کرمان	۲۰۴	اصفهان
۵۷	کرمانشاه	۲۸	البرز
۲۴	کهگیلویه و بویراحمد	۳۶	ایلام
۱۲۲	گلستان	۸	بوشهر
۵۰	گیلان	۵۹	تهران
۲۴	لرستان	۱۵	چهارمحال و بختیاری
۲۷	مازندران	۸۶	خوزستان
۳۶	مرکزی	۹	زنجان
۱۱	هرمزگان	۳۷	سمنان
۴۰	همدان	۴	سیستان و بلوچستان
۴۸	یزد	۸۸	فارس



